

سلیمان لایق

شوریدن زن بر مرد فاقد مردانگی و شایستگی در لندی ها

زندگی اندوه بار زن در قبیله آنگاه به اوج مصیبت میرسد که علاوه بر دشواری های ناشی از جنسیت، حق انتخاب همسر را نیز از دست میدهد. او در تمام موقعیت ها و احوال شخصی و اجتماعی تحت کنترل اولیاء (در کودکی پدر، در جوانی شوهر و در بیوگی وارث شوهر) قرار دارد.

مطابق نورم های حقوقی جامعه سنتی قبائل، اولیاء زن در منازعات جنایی چون قتل و هتک ناموس، میتوانند زنان تحت ولایت خود را به حیث جبیره غرامات و جبران آبروی مدعی، به جای پول و مال به او بدهند. دریافت کنندگان چنان زنان گاهی از روی کینه قبایلی آنان را به پیران فرتوت، به کودکان نوزاد، به دیوانه های زنجیری، به مسافران بی برگشت و به افراد معیوب و معتوه نامزد میکنند. در ازدواج های عادی نیز مرد دست بالا دارد. رعایت تناسب سنی، سلیقه یی، ذوقی، موقعیت اجتماعی و غیره بین مرد و زن به سود مرد مسکوت گذاشته شده است. زن قبایلی که چون زنان دیگر دارای هوش، عاطفه و ذوق است و

SPINTEA

میتواند خوب را از بد، زیبا را از نازیبا و مناست را از غیر مناسب بشناسد، در چهارچوب سنن و قیود قبایلی که به صورت دگم‌های قانونی و اخلاقی بر جامعه می‌خکوب گردیده، از حق انتخاب جفت که با سرنوشت او پیوند دارد، محروم شده است. او این وضعیت دردناک را در جاده گشاده‌لندی‌ها که از کرانه‌های دوردست زمان به سوی او کشیده شده است به فریاد می‌سپارد و ناله دیگری بر غمنامه‌های مادر بزرگان خود که به حیث ارواح معذب تاریخ بر دهات و چادرهای قبائل فرود می‌آید، می‌افزاید.

از جمله واژه‌ها و سمبول‌های متداول لندی‌ها که از سوی زنان، ضد شوهران ناخواسته و بی‌شهامت، ستم‌پیشه و مستبد، فرسوده و معیوب که بازور و زر بر دختران جوان تحمیل شده اند یکی هم «موزی» و «موزیگی»^(۱) است. این واژه در لندی‌های پشتو به مردان بی‌حیثیت، بی‌غیرت، خسیس، نامرد، بی‌شرم، بی‌حیا، ترسو، بی‌کاره، جاافتاده، بپ و جدان، دسیسه‌کار، بی‌انصاف، شیطان‌صفت، سخن‌چین فرومایه و فاقد «پشتونولی» اطلاق می‌گردد. این اصطلاح خاص لندی‌های زنانه بوده و ندرتاً در لندی‌های مردانه نیز بکار گرفته می‌شود.

نامزدها و شوهرانی که زنان آنانرا نمی‌پسندند و طبق رسم بر ایشان تحمیل شده‌اند، در لندی‌ها نام «موزی» گرفته‌اند. ذکر موزی و موزیگی در لندی‌های زنانه مبین بدون چون و چرای حسرت، نفرت و

اعتراض زن علیه شوهر اجباری است. این دنباله ادامه مقاومتی است که زن در جامعه قبایلی پشتون از همان آغاز تا کنون علیه نظام مردسالاری و قوانین اخلاقی و حقوقی آن که به زیان اوست، ابراز داشته و صدای اعتراض خود را علیه آن بلند میکند. لندی های زیرین در نکوهش مردان موزی سروده شده است:

درنجو گوپی من ساتلی

دموزیگی په مرگ به سترگی تورومه

کمی از سرمه را ذخیره کردم

با مرگ موزی به چشمانم سرمه میکشم

پاس په سنگر تکونه وشوو

مپرونه مری موزیان به روغ کورته را حینه

بالا در سنگر آتش گشوده شد

مردان میمیرند، موزی ها سلامت به خانه بر میگرددند

موزی په مینه خه پوه پری

په نش پی مور کپه تر سبا کوی خوبونه

موزی از عشق چه پی میبرد

شکمش را سیر کن تا صبح خواب میزند

گوتی می و پی په لاس می نه کپی

دموزیگی په خویندورا غلم تش لاسونه

SPINTA

انگشترها داشتم، نه پوشیدم
حیف که بادستان خالی بر خواهران موزی وارد شدم
موزی خان بنده کپره بلبله
توتی په باغ کپه دفراق نارې وهینه
موزی خان بلبل را در بند کرد
توتی در باغ ناله های فراق سر داده است
خدایه موزیانو کپه مرگ گله کپه
چپه دغیرت لیونی نجونه خلاصی شینه
خدایا در میان موزی ها مرگ پیراگن
تا دختران شیادی غیرت رهایی یابند
خاونده بیادی ما خوستن کپه
د گلولبنتی دموزیانو کپه ته حینه
خدایا باز شب را آوردی
شاخه های گل به بستر موزی ها می روند
سترگی خودتارا کپه خدایه
ظالم موزی می له کتومنع کوبینه
چشم را خودتو دادی، خدایا
موزی ستم کار مرا از دیدن منع می کند
فهم روشن تر از این مسأله مربوط می شود به مطالعه تاریخی جایگاه

SPINTEA

پژوهش در فرهنگ باستانی و شناخت اوستا

زن پشتون که در لندی وسیعاً انعماس یافته است درین مقال به آن پرداخته میشود.

SPINTEA

۱- موزی: شکل مفعن «موزی» عربی است که اذیت کننده رامی رساند.

انجمن رودکی، انجمن فرهنگ باستان، انجمن پیوند، دانشگاه هامبورگ، موزیم ایران